

تحلیل و بررسی نقش اجتماعی زنان شیعی و پیامدهای آن در سده

نخستین عصر غیبت

مریم سعیدیان جزی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۹

چکیده

سده آغازین عصر غیبت، دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد است. درباره حضور زنان در تحولات این عصر و نتایج آن، اقوال و تفاسیر متعددی در منابع اسلامی دیده می‌شود که در این مقاله بررسی شده است. در این مقاله، بخش‌هایی از نقش تاریخی زنان شیعی در قالب فعالیت‌ها و سیاست‌های آنان در رویارویی با مسایل سده نخستین عصر غیبت و پیامدهای آن به روش مطالعه تاریخی و توصیفی - تحلیلی بررسی می‌شود. هدف آن است تا با بررسی الگوی دین‌شناختی زن در اندیشه تشیع، مقدار مشارکت زنان در تحولات اجتماعی این عصر و تدابیر بزرگان امامیه در این خصوص بررسی شود. بر این اساس، روشن می‌شود حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم بوده و از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در توسعه نفوذ شیعیان در عرصه مدیریت اجتماعی بشمار می‌رود. زنان شیعی تحت نظارت و تأیید اهل‌بیت (ع) و بزرگان امامیه و خاصیت تعلیمی - تبلیغی آموزه‌های شیعی، نقش مهمی را در تحولات تاریخی این دوران ایفا کردند. در نتیجه عموم جامعه از توانمندی و ظرفیت‌های زنان به‌ویژه در عرصه جهاد فرهنگی و برای تقویت هویت شیعی، توسعه مناسبات اجتماعی، نشر معارف دینی، نهادینه‌کردن فرهنگ انتظار و حضور مؤثر در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی بهره گرفتند. در این مقاله، این مسئله با استناد به منابع اسلامی و پژوهش‌های معاصر نقد و ارزیابی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مهدویت، زنان شیعی، خودآگاهی، منزلت اجتماعی.

^۱ - دکترای تاریخ اسلام، استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان.

* - نویسنده مسئول مقاله: msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

پیشگفتار

دوران غیبت امام مهدی (ع)، اگرچه زندگی دیندارانه مؤمنان راستین را با مشکلاتی روبه‌رو کرد؛ اما برکاتی هم در پی داشته است.

آنچه در مجموع اخبار و نصوص دینی تصریح گردیده، بیان‌گر نقش و جایگاه مؤثر زن در ساحت حیات انسانی- اجتماعی است. بدیهی است تحقق این مهم منوط به خودسازی و تهذیب فردی است. از این منظر زن به‌مثابه یک انسان منتظر به هویتی ویژه دست می‌یابد و از او انتظار می‌رود تا مطابق با خاصیت کمال طلبانه هم ذات با انتظار، از خود و جامعه پیرامونش حراست کند. در بررسی سیر تطور حیات تاریخی زنان شیعی بدست می‌آید که بیش‌ترین زمان حضور تاریخی زنان شیعی در آغازین سده عصر غیبت بوده است چراکه از مجموع توانمندی‌ها و امکانات برای پاسداشت دین، دست‌یابی به کمال مطلوب و سلامت اجتماعی بهره‌برده و با بکارگیری سبک رهبری تبدیلی و تحول‌گرا مبتنی بر آموزه‌های وحیانی- شیعی و قرار گرفتن در مسیر جهاد فرهنگی، گام‌های مهمی را برای حصول کمال اجتماعی برداشتند. از آن‌جا که امامت امام مهدی (ع) با امر غیبت همراه بوده است؛ محدوده تاریخی مورد بحث، با تأکید بر جایگاه زنان در نخستین سده عصر غیبت یعنی سال ۲۶۰ تا حوالی ۴۰۰ ق می‌باشد.

پرسش‌های مهمی در این حوزه مطرح است که از آن جمله عبارتند از: آیا نسبتی میان ارکان ظهور و افزایش توانمندی زنان شیعی وجود دارد؟ راهبردها و اهداف بزرگان امامیه برای دست‌یابی به این مقوله کدام است؟ کار ویژه‌های انتظار فعال در خصوص زنان چیست؟ مصادیق و مؤلفه‌های قرار گرفتن زنان شیعی به‌عنوان سرمایه اجتماعی کدام است؟ و پیامدهای و دستاوردهای مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی چیست؟

فرض پژوهش این است که زنان شیعی در عصر غیبت به تبعیت از الگوی جامع ولایت‌مدار اهل‌بیت (ع) و آموزه‌های جاودانه و نظام‌مند اسلامی در سه محور اساسی فردی، خانوادگی و اجتماعی به ترتیب به ایفای نقش مادری، همسری و انسان اجتماعی پرداخته و بویژه در حوزه اجتماع با حضور به هنگام، پویا، آگاه و مدبرانه و با درک موقعیت حساس آغازین عصر غیبت، ثابت کردند که حضور زن در اجتماع نه‌تنها حق بر گرفته از نعمت اختیار و آزادی تکوینی که یک تکلیف دینی بشمار می‌رود. از این‌رو، مشارکت زنان در تحولات اجتماعی نشانه ماهیت تمدن ساز و متعالی مذهب امامیه است که مهم‌ترین ویژگی آن برخورداری از تفکر جامع توحیدی می‌باشد. این مهم الگویی قابل‌ارایه و دین‌شناختی از حضور زن در جامعه را به ترسیم می‌کشد.

این پژوهش در پی آن است تا به هدف‌های زیر دست یابد: ۱- الگوی دین‌شناختی زن در اندیشه مهدویت شیعی و مؤلفه‌های آن ۲- مشارکت اجتماعی زنان و تدابیر بزرگان امامیه برای توانمندسازی آنان.

مفاهیم و اصلاحات پژوهش

الف- **غیبت و ظهور:** در اندیشه مهدویت مسئله غیبت و ظهور، یکی از مهم‌ترین ارکان اعتقادی شیعی است و با اصول عقاید اسلامی مانند توحید، نبوت و امامت ارتباط مستقیم دارد. در این اندیشه که مبتنی بر تفکر جامع توحیدی ولایت‌مدار است؛ الگوی حکومت مهدوی، غایت و مطلوب خلقت این جهانی، آرمان تمام شرایع الهی و خاصیت کمال‌گرایانه فطرت بشری است. در این میان انسان دیندار در آرزوی دست یافتن به کمال و تمام عدالت به انتظار می‌نشیند (Saduq, 1984)؛ (Majlisi, 1982).

ب- **انتظار:** مقوله انتظار از عناصر مهم اعتقادی اسلامی است که از آموزه‌های وحیانی و نصوص دینی مایه گرفته است (Majlisi, 1982). واژه‌ی «انتظار» در اندیشه الهی- انسانی دارای معانی دقیق و عمیقی است. انتظار کیفیتی درونی و انگیزش دهنده است که انسان را مهیای استقبال از امر منتظرالیه می‌کند، یعنی مطالبه و پی‌جویی برای ادراک چیزی که در آینده واقع می‌گردد، به شکلی که گویا هر لحظه چشم به راه وقوع آن چیز می‌باشد. انتظار یعنی چشم‌به‌راهی برای انجام کاری که مورد نظر و مطابق میل انسان است (Safi, 1992)، اما حقیقت انتظار در فرهنگ مهدویت نیاز و اضطرار نسبت به کسی است که حکومت جهانی را برای اصلاح جامعه انسانی تشکیل می‌دهد و انسان منتظر تلاش می‌کند تا زمینه ظهورش را فراهم نماید.

رسول الله (ص) می‌فرماید: «افضل العبادۃ انتظار الفرج» (Safi, 1992). از امام رضا (ع) نیز منقول است که فرمود: " ایس انتظار الفرج من الفرج " (Majlisi, 1982). بر این اساس تفکر در مقوله انتظار، سبب گشایش، تحرک و امید می‌شود.

ج- **فرهنگ انتظار:** یکی از ابعاد مهم اندیشه مهدویت، چگونگی دستیابی به آن است. یک رهیافت مهم این امر استخراج فرهنگ انتظار است. روشن است که هدف اصلی انتظار، زمینه‌سازی برای تحقق وعده‌های الهی است. از این رو در متون روایی بر مقوله "انتظار" به عنوان برترین عبادت تأکید شده است (Safi, 1992). در این درگاه منتظر واقعی و راستین کسی است که با تحمل شرایط موجود برای بهبود و تغییر آن تلاش می‌کند و با چشم‌انداز مطمئن و روشن درصدد است تا برنامه‌ای عملی برای تحقق این آرمان، ارایه دهد. اهمیت این موضوع در متون روایی و مبانی معرفت‌شناختی دینی اسلامی چنین آمده است؛ هرگاه زنان و مردان در دوران غیبت و آخرالزمان به تکالیف خود عمل کنند و به آنچه در شریعت واجب شده، پایبند باشند، ارجمندترین مردمان و مأجور خواهند بود (Kuranyi, 1990).

د- **سرمایه اجتماعی:** یکی از جدیدترین مفاهیم ارایه شده در دانش علوم اجتماعی، سرمایه اجتماعی است (Zahedi, 1988). سرمایه اجتماعی، یا بعد معنوی یک اجتماع انسانی، دارای مؤلفه‌هایی چون اعتماد، هنجارهای متقابل اجتماعی و شبکه ارتباطی، همکاری، هماهنگی و مشارکت است و

چنانچه بر اساس گزاره‌های اخلاقی- معرفتی مبتنی بر بن‌مایه‌های تفکر دینی مانند عدالت، معنویت و عقلانیت، تنظیم و تعدیل گردد؛ بستری مناسب برای دستیابی به اهداف متعالی، حراست از دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی و بهره‌برداری از امکانات و توان بالقوه آحاد جامعه برای وصول به سعادت و خیر حقیقی خواهد بود (Alvani, 2002). سرمایه اجتماعی، پتانسیل نهفته در روابط میان افراد (و گروه‌های) یک جامعه است که باعث انجام امورات [رفع نیازها] می‌شود و دارای ابعادی گوناگون است و بویژه در شکل جمعی آن می‌تواند؛ افراد جامعه را در حل مشکل کنش جمعی یاری برساند (Saadat, 2007). در این میان رابطه خانواده و اجتماع به‌ویژه زمانی که ارزش‌های اخلاقی مطلوب را ارایه می‌دهد به عنوان یکی از لوازم و شروط تحقق سرمایه اجتماعی (Tavassoli, 2005)، نقشی مهم را فرهنگ انتظار ایفا می‌کند. این پژوهش مفهوم سرمایه اجتماعی را در نصوص دینی و منابع اسلامی بررسی می‌کند.

هـ تاریخ تلاش شیعیان در آغازین سده عصر غیبت: به استناد نوشته‌های اسلامی و پژوهش‌های انجام شده در حوزه تمدن اسلامی، قرن چهارم هجری از ادوار طلایی حیات تاریخی جامعه اسلامی بشمار می‌رود. در این زمینه سهم شیعیان قابل توجه است. در این دوره بسیاری از مراکز علمی و نهادهای مدنی شیعی شکل گرفت که از جهت گستره جغرافیایی و پوشش اجتماعی قابل مقایسه با پیش از آن نبود. در این زمان دولت‌های شیعی در ایران، سوریه و مصر ظهور کرده یا در اوج قدرت بودند. کتابخانه‌ها و نهادهای علمی اعم از کتابخانه، دارالعلم و حوزه‌های علمیه در مراکز مهم شهری قلمرو اسلامی پدید آمدند و دانشمندان و بزرگان امامیه با مشارکت فعال در عرصه‌های علمی و اجتماعی به دفاع از مذهب تشیع پرداخته، میراث عظیمی را به جا گذاشتند که همواره مرجع و سند اهل علم و دین بوده است.

یکی از اسباب مهم جهش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شیعه، ظهور آل‌بویه در قرن چهارم و خدمات دولتمردان و رجال عصر بویهی بود که زمینه‌ساز رشد هویت اجتماعی شیعه و مشارکت فعال آنان در ارائه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی گردید (Tusi, 1958). آل‌بویه هم‌چنین با فراهم آوردن امکان عرضه معارف شیعی در صحنه رقابت میان مذاهب مختلف اسلامی، تقویت حضور شیعیان در خدمات اجتماعی و مطالبه حقوق سیاسی - مدنی آنان (Mirza Qomi, 1992)، اهتمام بر بزرگداشت نمادهای شیعی و علنی کردن دو مناسبت مهم عاشورا و عید غدیر، مشارکت در ساخت، تعمیر و توسعه بقاع متبرکه، زمینه اقبال عمومی به معارف اهل بیت (ع) و افزایش منزلت اجتماعی بزرگان شیعی را فراهم آوردند (Ibn Esfandiari, 1980).

تعدد قیام‌ها، گرایش‌های متعدد عقیدتی و ظهور دولت‌های گوناگون شیعی در این دوره؛ ما را به یک اصل اعتقادی- تاریخی همسو با اندیشه مهدویت رهنمون می‌شود و آن تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. بر این اساس، می‌توان گفت امامیه پس از اثبات مسئله غیبت و بازخوانی

آموزه‌های شیعی؛ راهبردی اساسی را برای انتظار پویا و فعال طراحی کردند که پیشینه آن به سیره پیشوایان معصوم و تدابیر ایشان در رویارویی با مسایل و پیشامدهای اجتماعی- اعتقادی بازمی‌گشت.

از سویی شرایط جامعه اسلامی، وقوع هرگونه تغییر اجتماعی را ممکن می‌ساخت. خلافت عباسی چنان‌که انتظار می‌رفت؛ فاقد مشروعیت و کارآمدی لازم بود و گرایش رجال و دولتمردان آن به اهل سنت و سیاست‌های انقباضی برخی از مذاهب سبب محرومیت شیعیان از حقوق اجتماعی و امکان برخورداری از آزادی عقیدتی و امنیت عمومی گردید. این عوامل و اندیشه سیاسی حاکم بر گفتمان شیعی، از اسباب جدی تحرک شیعیان و ظهور جنبش‌های فرهنگی و سیاسی شیعیان بشمار می‌آید (Golpaygani, 1982).

هم‌زمانی این تحركات با آغاز غیبت حضرت ولی‌عصر (ع) ایجاب می‌کرد که شیعیان ضمن تلاش برای زندگی ایمانی از این موضوع مهم هم غافل نباشند. بر این اساس، بزرگان امامیه اهتمام فراوانی بر مدیریت اجتماعی و رشد معنوی شیعه داشتند و در کنار آن مهارت رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و انحرافات عقیدتی را به آنان آموزش می‌دادند. از این رو، می‌توان گفت شیعیان در عرصه‌های گوناگون حیات تمدنی و فرهنگی تاریخ اسلام حضور فعال داشته و سهم به‌سزایی از مفاخر و دستاوردهای مسلمانان مرهون خدمات این گروه است (Ibn Fandoq, 1997).

در این میان تحولات اجتماعی نقشی مهمی در طرح چرایی و چگونگی حضور زنان در جامعه و میزان مشارکت آنان بر عهده داشته است. زنان در دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و عقیدتی مرتبط با تاریخ تشیع؛ سهمی اساسی داشته‌اند. از این نمونه می‌توان به مشارکت زنان در گونه‌های گوناگون قیام‌های شیعی (Al-tanukhy, 1944, Qadi Nu'man Isfahani) و جهاد فرهنگی آنان در مواجهه با ظلمه و اهل باطل اشاره کرد (Isfahani).

ابزار و روش

اگرچه ابزار و شیوه پژوهش به صورت نقلی و تحلیلی است، اما در موضوع و هدف پژوهش و مفاهیم ارایه‌شده؛ تلاش بر آن بوده تا ضمن بیان مصادیق شاخص زنان منتظر و نقش کارکردی آن‌ها در جامعه؛ بستر مناسب برای وصول به الگوی جامع از شخصیت زن مسلمان فراهم آید.

در این مقاله از دو روش مطالعه تاریخی و توصیفی- کیفی هم‌زمان استفاده شده است. روش مطالعه تاریخی (Historical Method) یکی از انواع پژوهش‌های کیفی است که از راه تجزیه و تحلیل مدارک مربوط به گذشته انجام می‌گیرد. مطالعات تاریخی از نظر مدارک مورد مطالعه به چهار گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شود: مطالعه مدارک اولیه، مطالعه مدارک ثانویه، مطالعه مدارک جاری، گردآوری مجدد مدارک. در همه این مطالعات استخراج مفاهیم مورد نظر، فرموله کردن و

تعمیم‌یافته‌های حاصل منظور اصلی پژوهش است. استنتاجات منطقی در مورد مقاصد انگیزه‌ها و شخصیت نقش‌آفرینان پدیده‌های تاریخی یک محور اصلی برای این‌گونه مطالعات است. فهم چگونگی پدیده‌ها نیز یک موضوع مهم در مطالعات تاریخی بشمار می‌رود. هدف از مطالعه تاریخی، رسیدن به نتایجی مربوط به علل، تأثیرات یا روند رویدادهای گذشته است که ممکن است به روشن شدن رویدادهای کنونی و پیش‌بینی وقایع آینده کمک نماید (Ali Ahmadi, 2004).

روش توصیفی - کیفی (Descriptive Method) روشی دیگر است که در این پژوهش بکار گرفته شده است. پژوهش توصیفی آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، باورهای متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد. تمرکز آن در درجه نخست به زمان حال است، هرچند اغلب رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند، مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از روش‌های بسیار متداول در پژوهش‌های توصیفی است که به بررسی روابط دو متغیر می‌پردازد. در مطالعاتی که بمنظور تدوین فرضیه و یا آزمون آن تدوین‌شده‌اند می‌توان از روش همبستگی استفاده نمود (Saroukhani, 2008). این مقوله‌ها در پژوهش در چهار مرحله انجام‌گرفته است که عبارتند از: ۱- گردآوری داده‌ها ۲- تفسیر داده‌ها ۳- نقد و بررسی ۴- کشف روابط حاکم بر مسئله

اگرچه آثار و پژوهش‌های متعددی در حوزه مهدویت و مسایل آن نگاشته شده، اما بررسی گذرا در عناوین و محتوای این دسته بیان‌گر آن است که این گروه از جهت فهم دینی، دامنه موضوعی، روش‌شناسی تحقیق و رویکرد نظری و کاربردی دارای تفاوت‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را در سه دسته مستقل پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی یا به تعبیری مروری و پژوهشی قرار داد. در این میان پژوهش‌های انجام‌شده در مورد زنان و مهدویت اگرچه محدود و پراکنده، اما دربردارنده یک پیام مهم است و آن این که بازشناسی نقش و جایگاه زنان در اندیشه مهدویت، امری لازم برای برون‌رفت از مسایل و پیشامدهای اجتماعی و دستیابی به جامعه آرمانی است. از سویی رویکرد علمی برخی از این آثار، در جهت آن بوده تا با نگاه ارشادی و مولوی بر تلازم میان حقوق و تکالیف زنان در عصر غیبت تأکید نمایند. چنان‌که برخی دیگر، با طرح مصادیق زنان مؤثر در سیره امام مهدی (ع) عموماً به یک گزارش روایی اکتفا کرده‌اند.

کتاب‌هایی چون مکیال‌المکارم (موسوی)؛ نجم‌الثاقب (Tabarsi, 1991)، روزگار رهایی (Kamel Solomon, 1961)، شیوه‌های یاری قائم آل محمد (ع) (Faghih Imani, 2003)، اخلاق المسلم و کیف تری ابناءنا علیها (Syria, Mabiz, 1991)، ریاحین الشریعه (Mahallati, 1948)، تراجم اعلام‌النساء (Alami, 1996)، نظام حقوق زن در اسلام (Motahhari, 2000)، امام خمینی و الگوهای دین‌شناختی در مسائل زنان (Mortazavi, 2000)؛ زن منتظر و منتظرپروری (Moeen Al-Islam, 2008) و زنان در حکومت امام زمان (ع) (Tabasi, 2001) و برخی مقالات مانند زندگی

حکیمه خاتون (Entizar, Shakeri, 2006) و چشم‌انداز تربیت اجتماعی زنان در فرهنگ مهدویت (sadegh.ir/Mollaei, 2010) از جمله آثاری است که به روش روایی و توصیفی به مباحث مهدویت یا رابطه آن با مسائل زنان پرداخته‌اند.

یافته‌ها

الگوی دین‌شناختی زن در اندیشه مهدویت شیعی و مولفه‌های آن: در اندیشه مهدویت که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است؛ زن به‌مثابه یک انسان بااراده، مختار و صاحب شعور تلقی می‌شود که خداوند حق تعیین سرنوشت را به او اعطا نموده و حرکت برای کمال فردی و اجتماعی را در زمره وظایف ایمانی‌اش قرار داده است.

توجه به مقوله زن از جهت‌های گوناگون قابل بررسی است. یک دلیل آن، این است که زن نقشی مهم در سعادت و شقاوت جامعه ایفا می‌کند. بر این اساس زنان با ایفای نقش همسری، مادری و تربیت انسان سالم و اجتماعی، سبب بقای جامعه، عامل رشد فضایل اخلاقی و اصلاح مناسبات اجتماعی خواهد بود. بدیهی است تحقق این مهم جز در راستای تربیت دینی زن و مطابقت او با الگوی معیار انسان کامل، تصحیح باور عمومی نسبت به زن و اهتمام دولتمردان و نهادهای مدنی و آحاد جامعه برای توانمندسازی زنان و بهره‌مندی بیش‌تر از امکان حضور فعال آنان در تربیت نسل سالم و نیل به جامعه‌ای پاک و مطلوب امکان‌پذیر نخواهد شد (Saduq, 1984). مؤلفه‌های اصلی توانمندی زنان در سه حیطه فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است که در ادامه مورد بحث قرار گرفته است.

الف) ضرورت خودشناسی و خودسازی: مقدمه حضور و لازمه تحرک و پویایی انتظار، خودسازی است. بینش صحیح دینی و قرار گرفتن در سلک مؤمنان باعث توانمندی منتظران و دور شدن از مسیر انحراف و خطا می‌شود (al-Kulayni, 1388, Al-hojjah). زندگی دیندارانه اگرچه امری ممکن، اما سخت و دشوار است. از امام صادق (ع) منقول است که فرمود: "...کسی که (در غیبت) پایبند به دینش است همانند کسی است که با دست خود از بالا تا پایین به درخت قنات (دارای خارهای سوزنی) می‌کشد تا خارهای آن فروریزد..." سپس فرمود: "پس باید بنده در زمان غیبت، تقوای الهی داشته باشد و از دینش مواظبت نماید" (Majlisi, 1982).

مطابق با نصوص دینی عناصر شخصیتی انسان منتظر در حیطه‌های مختلف قابل بررسی است که می‌توان آن را از یک‌جهت در دو حیطه، نگرشی و عملی (رفتاری) تفکیک نمود.

برخی از عناصر مهم در حیطه نگرشی عبارتند از: شناخت خود (Amedi, 1946)، خداشناسی (Saduq, 1996)، شناخت اوامر و نهی الهی و انبیاء و اوصیاء (Razi, 1960)؛ شناخت نظام هستی و

دنیا و قواعد حاکم بر آن (Al-Shaykh al-Mufid, 1992؛ Majlisi, 1982)، تلازم نظام تکوین و تشریح برای وصول به کمال (Musavi Isfahani, 1950).

برخی از شاخصه‌های منتظران در حیطة عملی عبارتند از: تعادل و خویشتن‌داری (Hor amelyi, 1970)، برخورداری از روحیه ایمانی و افزایش توان مقاومت و پایداری در حوزه فردی و اجتماعی (Quran, Anfal)، شجاعت و برخورداری از توان رهبری و مدیریت و ایجاد همبستگی میان اوامر و نواهی الهی با گزاره‌های اخلاقی (al-Kulayni, 1960).

رفاعة بن موسی از قول امام صادق (ع) از وجود رسول‌الله (ص) فرمود: "خوشا به حال کسی که قائم‌اهلبیت را درک کند و پیش از قیامش به او اقتدا نماید، از او و امامان هدایتگر پیش از او پیروی کند و از دشمنان آنان بی‌زاری جوید و به خدای عزوجل پناه ببرد، اینان رفیقان من و گرامی‌ترین افراد امت در نزد من هستند" (Al-Shaykh al-Tusii, 1990؛ Saduq, 1984).

نعمانی به نقل از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: "هر کس خوش دارد از یاران امام مهدی (ع) باشد؛ باید منتظر باشد و پارسایی (ورع) پیشه کند" (Fahri Zanjani, 1984).

بنابر دریافت‌های عمومی مربوط به روحیات و گرایش‌های معنوی زنان باید گفت جذب و اظهار عبودیت این نوع انسانی به درگاه معبود؛ سریع‌تر، بیش‌تر و سهل‌الوصول‌تر است (Javadi Amoli, 2004). این نگرش در ساحت فردی به مثانه انسانی آگاه و بااراده در ساحت خودسازی و تهذیب قدم‌نهاد، محل احترام و رجوع اهل علم و دین بوده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از مادر سید مرتضی و سید رضی (Noori Tabarsi, 1994) و سپس دختران شیخ طوسی نام برد که مورد اخیر، از زنان دانشمند و روات حدیث بوده و از بزرگان امامیه اجازه روایت داشتند (S. Morteza, 1984).
ب) انجام وظیفه همسری و مادری: انتظار، امری هدفمند و مسئولیت‌ساز است. از سویی رسالت اصلی زن بویژه در اندیشه دینی انجام وظیفه همسری و مادری است که هم با نظام تکوین و هم نظام تشریح هماهنگی دارد. زن به دلیل زن بودن و قرار گرفتن در نقش همسری و مادری؛ سهمی عمده و مؤثر در تربیت منتظران مصلح دارد.

توجه به این دو زن را ملزم می‌گرداند تا به عنوان عنصری اساسی و مدیری مدبّر و لطیف، محیط خانه را هم برای تأمین نیازهای فردی و تعالی جمعی و هم برای تربیت و رشد فرزندان سالم آماده کند. وجود چنین زنانی از بهترین نعمت‌های الهی بشمار می‌روند (al-Kulayni, 1960؛ Majlisi, 1982). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می‌شود و زن سرپرست خانه شوهرش و فرزندان او است و درباره آنان از او سؤال می‌شود" (Bokhari). در حدیث دیگر است که فرمود: "بزرگ‌ترین حق را بر زن، شوهر او دارد و بزرگ‌ترین حق را بر مرد، مادر او دارد" (Mottaqi Hindi).

شاید بتوان گفت؛ اهمیت این مسئله به این دلیل است که زن به دلیل برخورداری از مواهب خاصه الهی می‌تواند مؤثرترین عامل تربیت و رشد و ناقل سلوک مطلوب زندگی به جامعه باشد. بر این اساس یکی از عوامل موفقیت مردان در فعالیت‌های علمی، مبارزاتی و عبادی، وجود همسران و زنانی است که آنان را در این امر همراهی و پشتیبانی می‌کنند. در اندیشه دینی بر جایگاه زنان تأکید و مورد پاسداشت و تقدیر قرار گرفته است. در حدیث از رسول‌الله (ص) است که فرمود: "هر زنی که در کار حج، جهاد یا علم‌آموزی همسرش را یاری کند، خداوند به او پاداشی خواهد داد که به همسر ایوب عطا نکرده است" (Al-Tabrisi, 1992).

جایگاه این مهم چنان است که در اخبار وارده از پیشوایان معصوم برابر با جهاد آمده است (al-Hor amelyi, 1970; Kulayni, 1960). رسول اکرم (ص) فرمود: "جهاد المرأة حسن التبعل" (Saduq, 1994). به نظر می‌رسد یکی از دلایل حراست از جریان حق و موفقیت آن، توجه به این اصل و حضور نیروی انسانی تربیت‌شده و کارآمد در این عرصه بوده؛ همان گونه که غفلت از آن سبب تقویت جریان باطل در برهه‌ای از تاریخ شده است.

تأثیر تدبیر آگاهانه و مدبرانه تربیت در خانواده‌های شیعی بسیار فراوان بوده و گروهی از کسانی که منتسب به علویان و شیعیان هستند به عنوان زوج صالح یا زنان مؤمنه شهرت یافته‌اند (Isfahani). عمده فعالیت این‌گونه افراد اصلاح زندگی شخصی و اجتماعی و اتصال به خاندان ولایت و اهتمام در انتقال معارف الهی به جامعه بوده است. مادر ابن ادریس حلی و والده ابن ورام از جمله مواردی است که در این دوره بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند (Noori Tabarsi, 1987). این دو فرد افزون بر انجام نقش مادری و همسری، در مبارزات فرهنگی با دشمنان اهل بیت (ع) حضور داشته و همسران خود را در این عرصه یاری و همکاری می‌نمودند (Ibn Tavus, 1958).

از دیگر افرادی که در دوره مورد بحث، مسئولیت همسری و مادری را برعهده گرفته و به نحو احسن به انجام رسانیدند؛ فاطمه (درگذشته ۳۸۵ هـ) بنت ابی محمدحسن (حسین) علوی است. وی از نوادگان ناصر اطروش بود^۱ و به جهت نقش محوری که در تربیت فرزندانش ایفا کرد؛ مورد توجه قرار گرفته است.

مهم‌ترین وجه شهرت این بانوی علوی به خاطر آن است که وی مادر سید رضی و سید مرتضی می‌باشد. ایشان در خانواده‌ای محترم و شریف متولد شد (Razi, 1995) و در سنین جوانی با

^۱ - ناصر اطروش از سادات حسینی و از جمله شاگردان و مریدان امام عسکری (ع) است و در محضر آن حضرت بود که کتاب «اقتباس العلوم» را نوشت. وی مدتی از عمر خود را در نواحی جبال گذرانید و در این ایام مصدر خدمات مفیدی برای آن دیار شد. وی سرانجام در سال ۳۰۴ هجری در شهر امل از دنیا رفت. (S. Morteza, 1994 & S. Morteza, 1996) و مورد ستایش بسیاری از معاصران و مؤلفان و اهل علم قرار گرفت (Ibn Esfandiari, 1988).

ابوالحسن محمد بن ابی احمد علوی ازدواج کرد (Razi, 1995)^۱ و افزون بر تربیت فرزندان موفق و پشتیبانی از همسرش به ارشاد مردم نیز همت ورزید. این بانوی علوی، علوم دینی و فقه را از محضر پدر و دیگر شخصیت‌های به نام آن زمان فرا گرفت و شاگردان بسیاری تربیت نمود (Noori Tabarsi, 1994). از آن جمله دو دختر ایشان خدیجه و زینب هستند که از اهالی علم و فضیلت بوده‌اند (Ibn Khallikan, 1955).

یکی دیگر از فرزندان ایشان، سید مرتضی است که در ادب و فضل سرآمد و در کلام و فقه و علوم معروف و پیشوای دانشمندان اهل عراق بود (Al-Shaykh al-Tusi, 1994). با بررسی آثار این دانشمند امامیه و استناد به شرح خود نوشته‌های وی معلوم می‌گردد که یکی از عوامل موفقیت وی، مادرش بوده است. به نظر می‌رسد علت تأکید سید بر این مسئله به واسطه نقش مادر در دوران کودکی و نوجوانی آنان و تصمیمی مهم بود که او برای آموزش و تعلیم فرزندان گرفت. در توضیح این امر باید گفت؛ به استناد منابع اسلامی و اخبار سید مرتضی، پدر ایشان دارای مقامات اجتماعی بود و زمانی هم به واسطه سیاست بویهیان در زندان به سر می‌برد. حضور مادر در خانواده و صبر و متانت وی در رویارویی با این موضوع از یک سو و به‌ویژه اقدام وی در انتخاب استادانی مبرز و نمونه برای امر تعلیم فرزندان؛ نقش مهمی در رشد و بالندگی سید رضی و سید مرتضی ایفا کرد. یکی از استادان ایشان، شیخ مفید بود که از دانشمندان بزرگ و رجال امامیه بشمار می‌آمد (Morteza, 1996). شاید بتوان گفت سید به این واسطه در صدد بوده تا با تأکید بر نقش مادر در موفقیت‌هایش، حق او را ادا نماید و از او تقدیر کند.

سوگواری و مرثیه‌هایی که در رثای این بانوی علوی سروده شده؛ بیانگر اهمیت و اعتبار وی در خانواده و جایگاهش در نزد معارف شیعی می‌باشد (Morteza, 1995) از مصادیق ارایه‌شده دریافت می‌گردد که یکی از شاخصه‌های عمده در فعالیت زنان شیعی در آستانه عصر غیبت ایفای نقش همسری و مادری بوده است.

ج) اهمیت مشارکت اجتماعی زنان: یکی از ابعاد وجودی انسان، حضور در اجتماع است. چنانکه برخی گفته‌اند انسان مدنی الطبع است. در اندیشه دینی این حضور بویژه از آن جهت که خداوند حق تعیین سرنوشت را به انسان عطا کرده و او را با اختیار و آزادی تجهیز نموده، فرصتی برای کمال انسانی، اطاعت از اوامر و نواهی الهی و انجام وظایف ایمانی خواهد بود. بدیهی است زن نیز به عنوان انسان از این امر مستثنا نیست و مشارکت در اجتماع حق و تکلیف او بشمار می‌رود.

۱ - ابوالحسن محمد چون اجدادش صاحب تقوا و فضیلت و در سیادت و کیاست وارد بود. وی مقاماتی چون نقابت شیعیان، نظارت بر دیوان مظالم و امیرالحاجی را عهده‌دار بوده و زمانی امین اسرار خلافت بشمار می‌آمد، اما به تدریج مورد غضب حکومت قرار گرفت و در قلعه‌ای در فارس محبوس گردید (Ibn Khallikan, 1955)

مسئله دیگر الزامات و شرایط حضور انسان در اجتماع است. قائل بودن به تلازم نظام تکوین و تشریح یعنی مصلحت عامه و پایبندی به قواعد و الزاماتی که برای حضور انسان در اجتماع تعیین شده؛ سبب می‌شود تا ضمن بهره‌مندی انسان از حقوق طبیعی، موانع پیش رو که به سبب خروج از حقوق پدید آمده، رفع گردد. در نتیجه، جامعه ایمانی پدید خواهد آمد که همگان از آن نفع می‌برند. بر این اساس حضور زن در اجتماع دارای الزامات و قیودی است که نصوص دینی بر آن تأکید و تصریح نموده و نویسندگان مسلمان و غیر آن مفصل درباره آن به بحث نشست‌اند. از جمله این الزامات می‌توان به عدم اختلاط زن و مرد، حفظ کرامت انسانی زن، تأکید بر نقش تربیتی زن و مواردی این‌چنینی اشاره کرد.

فهم اهمیت این حضور و احکام و الزامات آن را می‌توان با عنوان "معرفت اجتماعی" بیان کرد. معرفت اجتماعی از ارکان اساسی توسعه اجتماعی و سلامت معنوی بشمار می‌رود و مبتنی بر اندیشه دینی بر گرفته از نگاه انسان به هستی و قواعد حاکم آن بوده، بر این ادعاست که صریح‌ترین، اصیل‌ترین و کامل‌ترین تعریفی که از زن ارایه شده، از جانب آموزه‌های وحیانی و سیره پیشوایان معصوم است.

در این نگرش، انسان منتظر به واسطه حضور انسان کامل و ولی الهی، خود را با او مطابقت داده و با برخورداری از امکانات خدادادی و ظرفیت‌های اجتماعی؛ زمینه سعادت و کمال را فراهم و با آن همراه می‌شود. روشن است؛ تحقق کامل این مهم در صورتی رخ خواهد داد که این معرفت از سطح فردی وارد حوزه اجتماعی شود. بر این اساس، می‌توان گفت مسئولیت‌گریزی، غفلت از هدف خلقت انسان، کج‌اندیشی در شناخت نیازها، استعدادها و امکانات، تفرقه‌گرایی و دین‌ستیزی، محصول عدم معرفت اجتماعی و مانع وصول به کمال مطلوب است.

درک مبانی نظری و راهکارهای حصول به معرفت اجتماعی در قالب وظایف شیعیان در عصر غیبت و انتظار پویا امکان‌پذیر خواهد بود. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و الزاماتی که حضور آحاد جامعه و به‌ویژه زنان در عصر غیبت را ضرورتی می‌نماید؛ عبارتند از: انجام تکلیف ایمانی (Musavi, 1950)، تقویت تعهد روحیه جمعی، اخلاق‌مداری، خلاقیت در برخورد با مقتضیات، حل نیازها منطبق بر حقیقت دین، زمینه‌سازی برای حضور فعال اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، افزایش توانمندی اجتماعی و درنهایت برخورداری از یک روحیه جهادی و اصلاحی (در مقابل افساد) در رویارویی با مسائل اجتماعی (Ameli, 1964).

با استفاده از مبحث معرفت اجتماعی، جامعه اصلاح می‌شود و معنای زندگی دریافت بدست می‌آید. این دستاورد عظیم اجتماعی قادر است تا افراد جامعه را تربیت نماید و از توانمندی‌ها و استعدادهای آنان بهره‌مند و همگان را در دستیابی به حقوق و تکالیفشان رهنمون گردد. یکی از

برنامه‌های مهمی که در این راستا پیشنهاد می‌گردد؛ توجه به ضرورت مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و رفع موانع آن است.

برخورداری از حقوق اجتماعی و حضور زن در جامعه در راستای حقوق طبیعی و عمل به تکالیف دینی است که همواره از او انتظار می‌رود. لذا، در صورت سوء برداشت یا اتخاذ تدبیری نادرست درباره ابعاد و الزامات آن؛ پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت که نه تنها به صلاح و نفع عموم نیست که سبب آسیب‌های جدی به شأن و کرامت انسانی زن می‌شود. بر این اساس اسلام، مشارکت اجتماعی همسو با ارائه یک حقیقت الهی - انسانی از زن را لازم و آن را به عنوان الگویی که همه جوامع انسانی باید آن را بکارگیرند؛ مورد توجه قرار می‌دهد (Tabataba'i, 1973).

مصادیق و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که در سلوک بزرگان امامیه بویژه در این عصر؛ به مسئله زن و جایگاه آن در جامعه عنایتی ویژه شده است. تألیف آثار وزین علمی در باب نساء، اهداء برخی از کتاب‌ها به زنان فرهیخته، برگزاری جلسه‌های علمی با حضور زنان، تعلیم فنون تبلیغ، حمایت از مبارزات فرهنگی زنان و واگذاری برخی از مسئولیت‌های اجتماعی به زنان از جمله مصادیق این مدعا است (Al-Shaykh al-Mufid, 1989). این امر بیانگر آن است که بزرگان شیعی، تبیین مسئله مهدویت را بدون در نظر گرفتن نقش نهاد خانواده و جایگاه زنان در اصلاح اجتماع امری ناممکن یا بی‌نتیجه می‌دانستند.

مشارکت اجتماعی زنان و تدابیر بزرگان امامیه برای توانمند سازی آنان

الف) علم‌آموزی و افزایش توانمندی زنان شیعی: از جمله ابعاد مهم جهاد فرهنگی زنان، حضور فعال در عرصه‌های علم‌آموزی و افزایش دانایی است و تشویق آموزه‌های وحیانی و سیره و شخصیت پیشوایان معصوم نقش مهمی در تأمین این نیاز و بهره‌مندی از آن در اصلاح فرد و جامعه و پرورش انسان‌های آگاه و متعهد دارد.

تأکید بر حضور فعال زنان در این عرصه به آن دلیل است که لازمه مودت و اطاعت - که از لوازم ولایت‌پذیری است - در گرو کسب معرفت است. از سویی یکی از مختصات جامعه آرمانی مهدوی که در نصوص دینی بر آن تصریح شده، گستره فراگرفتن حکمت در حوزه زنان و به‌کارگیری آن است. امام باقر (ع) می‌فرماید: "چنان مردم حکمت را می‌آموزند که زن در خانه با کتاب و سنت قضاوت می‌کند" (Fahri Zanjani, 1984).

زنان شیعی نقشی مهم در ثبت و ضبط معارف اهل‌بیت (ع) و انتقال آن به آیندگان داشته‌اند. پیشینه مشارکت فعال زنان در جبهه جهاد فرهنگی اعم از تعلیم، تبلیغ و مبارزات فرهنگی به صدر اسلام بازمی‌گردد و در صدر آن نقش بانوان خاندان عصمت و طهارت (شامل مادران، همسران،

دختران و زنان اهل خانه) و پس از آن دیگر زنان شیعی منتسب به یاران و صحابه اهل بیت (ع) قرار داشتند.

یکی از محورهای فعالیت زنان در آغازین سده عصر غیبت فراگیری علم و تلمذ در محضر بزرگان و رجال شیعه بود. اهمیت و جایگاه این نکته بویژه از آنجا معلوم می‌گردد که بخشی از اعلام و متون رجالی و روایی شیعه به فهرست و روایات این گروه مربوط می‌شود (Rahmani miyanji, 1996, Ibn Tavus, 1992). برخی از زنان شیعی که در این عرصه فعالیت داشتند، عبارتند از:

-ام‌کلثوم بنت ابی جعفر محمد بن عثمان عمّری: پدر وی محمد بن عثمان عمری، دومین نایب خاصه حضرت ولی عصر (ع) بود و از این جهت ام‌کلثوم اخبار متعددی را از قول پدرش درباره ناحیه مقدسه و پیشوایان معصوم نقل می‌کند (Bahrani, 1992).

-فاطمه علوی: ایشان مادر سید رضی و مرتضی است که محضر بزرگان امامیه مانند شیخ مفید را درک کرد و برخی از آموزه‌های شیعی به واسطه او در جامعه شیعی نشر یافت. به قولی وجودش مأمنی مطمئن، برای شیعیان و خانواده آنان بشمار می‌آمد (نوری، ۳: ۱۹۹۴/۲۱۶).

- سید مرتضی دو دختر داشت که از جمله زنان فاضله و عالمه عصر خود بودند (Morteza, 1994). درباره نام این دو خبری در دست نیست. یکی از این دو دختر نزد عمویش، سید رضی، تلمذ کرد و از جانب او اجازه نقل حدیث یافت. همو یکی از راویان نهج‌البلاغه است که به وسیله مرحوم سید رضی گردآوری شده است (Noori Tabarsi, 1994).

- دختر صاحب بن عباد، وزیر بویه‌یان از دیگر زنان شیعی است که پدر برای رشد و تربیت وی بسیار تلاش کرد (Sadr Haj Seyed Javadi, 2004).

-از دیگر زنان دانشمند و عالمه شیعی که بویژه موردتوجه منابع رجالی قرار گرفته‌اند، می‌توان به دختران شیخ طوسی (Sadr Haj Seyed Javadi, 2004) و سید بن طاووس اشاره کرد (Ibn Tavus, 1992؛ 1950).

ب- **دفاع از حقانیت اهل بیت (ع) و ارشاد عمومی:** یکی از محوری‌ترین مفاهیم در آموزه‌های شیعی، مسئله امامت است. نقش زنان شیعی در بیان فضایل اهل بیت (ع) و تصریح بر وصایت الهی آنان از دیگر ابعاد فعالیت‌های اجتماعی آنان در این عصر بشمار می‌آید. این وجه نمودی از آگاهی دینی، تحقق معرفت اجتماعی در زنان و اهتمام شیعیان برای حراست از هویت عقیدتی و تاریخی خود بوده است.

بیش‌ترین ابزار مورد استفاده زنان در این زمینه شامل احتجاج، خطابه، مرثیه و شعر می‌شد که از قابلیت انتقال و اثرگذاری بیش‌تری برخوردار بود. بدین ترتیب ضمن تبیین مقام الهی امام و دفاع از حقانیت آنان، فرصتی برای انتقال علوم اهل بیت (ع) و هدایت‌گری جامعه فراهم می‌آمد و در چارچوب مبارزات فرهنگی به افشای سیاست‌های ظلمه و مقابله با جریان‌های انحرافی می‌پرداختند

(Ibn Tavus, 1951؛ Al-Shaykh al-Mufid, 1992؛ Tabari, 1937؛ Isfahani؛ Al-Johari, 1964؛ Helli, 1950؛ Ameli) از نمونه‌های این ادعا، اخبار و گزارش‌های منقول از حکیمه دختر امام جواد (ع) است. روایات متعددی از جناب حکیمه، درباره سیره و شخصیت امامان و حل و فصل مسایل امامت و مهدویت نقل شده که بیانگر اهمیت و جایگاه ایشان در ارشاد و هدایت شیعیان و نزد محدثان و رجال شیعی است (Noori Tabarsi, 1987؛ Kuranyi, 1990). نقش ایشان در تبیین مسئله مهدویت در مقاله‌ای دیگر از این پژوهش آمده است.

ج) راهبرد توسعه نشاط معنوی: زنان شیعی نقشی مهم در ثبت و ضبط میراث علمی و عملی اهل بیت (ع) و انتقال نمادهای فرهنگ دینی به جامعه داشتند؛ از این نمونه می‌توان به مشارکت زنان در نشر دعاها و زیارات منسوب به اهل بیت (ع) اشاره کرد. از آنجاکه این گونه آثار نقشی مهم در اصلاح فردی و سلامت معنوی جامعه داشت؛ حضور زنان در این زمینه بیش‌تر قابل توجه است. از آن جمله دعایی است که شیخ صدوق با واسطه از حکیمه دختر امام جواد (ع) نقل می‌کند. جناب حکیمه این دعا را از وجود حضرت مهدی (ع) روایت کرده و علامه مجلسی در «بحارالانوار» و قتال در «روضه الواعظین» آورده‌اند (Al-Qayyumi, 1955). نمونه دیگر، اهتمام دختر سید مرتضی در انتقال بخشی از سخنان امام علی (ع) است که پیش از این به آن اشاره شد.

د) مواجهه با مسئله مهدویت و مبارزات فرهنگی: از مهم‌ترین اقدامات شیعیان در این دوره، حل مسائل مهدویت و فهم مقوله انتظار به عنوان عناصر اساسی در اندیشه مهدویت بوده است (Fahri Zanjani, 1984).

به نظر می‌رسد؛ بخشی از اهمیت و ضرورت پرداختن به این مقوله، بویژه از آن جهت بود که با دیگر عناصر جامعه ایمانی مانند تداوم امر امامت، اجرای احکام دینی، ضرورت نظارت همگانی و حل و فصل مسایل شیعیان ارتباط پیدا می‌کرد. چراکه از یک سو جامعه شیعی با مسئله امامت و غیبت امام مهدی مواجه بود و از سوی تلاش امامیه برای وحدت بخشی و سازمان‌دهی جامعه شیعی نیازمند مرجعیت ولایت عامه و نواب عام امام مهدی (ع) بود (Al-Shaykh al-Mufid, 1989).

اگرچه مکاشفات، مرادوات و مراجعات بخشی از نیازهای عقیدتی و عمومی جامعه شیعی را تأمین می‌کرد، اما به‌واقع عصر غیبت و عدم دسترسی مستقیم به معصوم؛ چالش‌هایی عمده را برای شیعیان فراهم می‌آورد و در این میان بزرگان امامیه بر آن بودند تا این مسئله را با استناد به ادله عقلی و نصوص دینی حل و فصل کنند (Ibn Tavus, 1992).

در میان رویکردهای گوناگونی که نسبت به این مسئله پدید آمد؛ راهبرد بزرگان و رجال امامیه آن بود تا ضمن تألیف، پژوهش و نقل اخبار و روایات؛ پاسخی مناسب برای پیشامدهای اجتماعی و مسائل دیگر ارائه دهند. باید گفت استخراج مبانی کاربردی به وسیله یک مجتهد جامع‌الشرایط،

برای حل و فصل امور و عبور از مسائل عصر غیبت؛ از ضروریات مبتنی بر آموزه‌های دینی و استدلال‌های فقهی است. استنباط‌های فقهی - اصولی دانشمندان امامیه در آغازین سده غیبت در این رابطه از مهم‌ترین دستاوردهای عقیدتی شیعه بشمار می‌رفت.

به نظر می‌رسد یکی از راهبردهای مهم امامیه، تقویت جایگاه مرجعیت فقها شیعی در جامعه بوده است. با مراجعه به فهرست آثار عیاشی معلوم می‌گردد که دانشمندان و فقهای امامیه در مسائل گوناگون اجتماعی ورود کرده‌اند. عیاشی هم‌چنین، کتابی دارد با عنوان "کتاب فرض طاعه العلماء" - که ابن ندیم آن را ذکر می‌کند (Tajaddod). عنوان برخی از آثار سید مرتضی (مانند مسائل الطرابلسیه، مسائل الدیلمیه، المسائل الطوسیه، المسائل الجرجانیه، المسائل الصیادویه) نیز بیانگر حضور فعال امامیه در صحنه‌های اجتماعی است (Al-Shaykh al-Tusi, 1996). هوشمندی شیعیان در درک این مقولات و رویارویی درست با آن؛ باعث شد تا این گروه به عنوان یک جریان فعال فکری و اجتماعی در جامعه اسلامی عرض اندام کنند.

زنان شیعی جایگاهی مهم و در خور توجه در این رویکرد داشتند و مشارکت فعال آنان در عرصه‌های اجتماعی بیانگر گرایش به رویکرد دوم است. از سویی اهتمام زنان شیعی برای پیوند با برخی از دانشمندان امامیه که دارای گرایش اصولی و اجتهادی بودند؛ حضور فعال در عرصه مبارزات فرهنگی و تلاش برای حراست از مظاهر فرهنگی و تمدنی شیعی بیانگر سطح رشد معرفت اجتماعی شیعیان و مواجهه صحیح با مقوله غیبت و انتظار می‌باشد.

این مبحث در دو قسم قرار می‌گیرد. نخست رویارویی زنان شیعی با مسایل مهدویت است که مرتبط با محورهای تلاش زنان برای فهم مسایل و اثبات امامت امام مهدی (ع) و ارتباط با ایشان باز می‌گردد و مبحث دوم که به نقش هدایتگری و تربیتی زنان در حل و فصل مسایل عقیدتی و اجتماعی شیعیان و مراجعات آنان به زنان فرهیخته شیعی مربوط می‌شود. این دو در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تلاش زنان برای فهم مسایل مهدویت و اثبات امام: باوجود اخبار پیشوایان معصوم و تلاش عسکریین (ع) برای تبیین امامت امام مهدی (ع)؛ اما شیعیان همچنان، طالب ارتباط با امام و درک مستقیم ایشان بودند (Saduq, 1997, p 209-210).

اخبار و روایات موجود؛ بیانگر تشریف زنان شیعی به محضر حضرت ولی عصر (ع) و توجهاتی بوده که از ناحیه مقدسه به ایشان می‌شد. از آن جمله می‌توان به ارتباط حکیمه خاتون با آن حضرت اشاره کرد. وی به قولی از جانب حضرت ولی عصر (ع) "منصب سفارت داشت و عرایض مردم را به آن حضرت و توقیعات شریفه را که از آن ناحیه مقدسه صادر می‌شد به مردم می‌رساند" (Qomi, 1984).

نمونه دیگر رویای صادقه است که برای زنی حاصل شد و در اخبار مهدویت ثبت گردیده است (Kuranyi, 1990). هم‌چنین تنی چند از زنان، با نواب خاصه و پس از آن بزرگان امامیه ارتباط مستقیم داشتند و از آن‌ها کسب فیض می‌کردند.

برخی دیگر از راه مکاتبه و ارتباط با وکلای امام، پاسخ پرسش‌ها و مسایل خود را دریافت می‌کردند. ابن طاووس می‌نویسد؛ زنی از اهالی دینور، مالی را به احمد بن ابی روح داد تا آن را به امام مهدی (ع) تحویل دهد. ابن ابی روح که به نظر می‌رسد یکی از وکلای عسکریین (ع) بوده، پس از شهادت امام یازدهم (ع) و هم‌زمان با آشوب جعفر کذاب وارد سامرا شد و امانتی آن زن را به دست امام رسانید (Ibn Tavus) و در ضمن، موفق گردید ادعای باطل جعفر را افشا نماید (Kuranyi, 1990).

گزارش‌های دیگری نیز وجود دارد که از نقش نهاد وکالت در ارشاد و هدایت مردم خبر می‌دهد. مؤلف کتاب "صراط المستقیم" از زنی به نام عاتکه نام می‌برد که مالی را از راه وکلا به امام رسانده و به دستور ایشان، صرف امور مستمندان و شیعیان شده است (Ameli, 1964). از دیگر مصادیق این ادعا، خبری است که درباره ام‌کلثوم، دختر محمد بن عثمان عمری، نائب دوم امام عصر (ع) نقل شده است. وی که در قم سکونت داشت؛ برای دیدار اقوامش رهسپار بغداد گردید و از پدر درخواست نمود تا توفیق تشرف را طلب نماید (Bahrani, 1992). مشخص نیست که آیا وی توفیق این ملاقات را یافت یا نه؟ اما دستاورد این سفر مبارک و میمون بود. نوری می‌نویسد، منزل ام‌کلثوم در قم، محل مراجعات شیعیان گردید و او به سؤالاتشان پاسخ می‌داد (Noori Tabarsi).

۲- مراجعات شیعیان به زنان و تبیین مسئله مهدویت: نخستین اشاره در مورد والده امام مهدی (ع) است. نام این بانو در منابع متقدم شیعی با عناوین و اسامی گوناگون بیان شده که مشهورتر از همه، "نرجس" است (Al-Shahid al-Awwal, 1990). او پیش از ازدواج با امام حسن عسکری (ع) (Bahrani, 1992) و نزد حکیمه بنت الجواد (ع) به دین اسلام تشرف یافت (Bahrani, 1992). جناب نرجس خاتون نقشی مؤثر در هدایت شیعیان و تبیین مسئله امامت امام مهدی (ع) داشت (Bahrani, 1992).

حکیمه بنت امام جواد (ع) از دیگر زنان فرهیخته شیعی بود که در محضر اهل‌بیت (ع) تربیت یافت. رابطه نزدیکی با نرجس خاتون داشت و از جانب امام مأموریت یافت تا نرجس خاتون را با معارف اسلامی آشنا کند (Bahrani, 1992). زمان ولادت امام مهدی (ع) در منزل امام عسکری (ع) حضور داشت و تنها کسی بود که اجازه یافت تا از جناب نرجس مراقبت کند (Saduq, 1984). از این‌رو، منابع شیعی بر تأکید کرده و اخباری که به نقل از وی درباره چگونگی ولادت امام و اثبات آن وارد شده را توثیق نموده‌اند (Saduq, 1984).

این بانوی علوی نقش مهمی در ارشاد و هدایت مردم، به‌ویژه در آغاز امامت امام عصر (ع) بر عهده داشت (noori, 1987). علاوه بر این با استفاده از ادله قرآنی و روایی (Bahrani, 1992) به پرسش‌هایی در باب دلایل امامت و علت غیبت آن حضرت که موسی بن محمد، از نوادگان امام هفتم (ع) (Kuranyi, 1990) و طهوی، یکی از یاران امام عسکری (ع) پاسخ گفت (Kuranyi, 1990) و گروهی از علویان که خواستار شناخت بیشتر حضرت مهدی (ع) بودند؛ ارشاد نمود (Bahrani, 1992).

برخی از آثار و اخبار منسوب به جناب حکیمه جوابیه‌ها، احتجاجات و اعتقادی‌های شیعی است که محور اصلی آن مسئله مهدویت می‌باشد (Kuranyi, 1990). شیخ صدوق به نقل از اسناد خود نقل می‌کند؛ پس از رحلت امام عسکری (ع)، محمد بن عبدالله طهوی نزد حکیمه رفت و در خصوص "حیرت مردم" و "علت تداوم امامت در نسل امام حسین (ع)" سوالاتی پرسید. ایشان در پاسخ گفت؛ "خدا زمین را هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌کند" و افزود "امامت در فرزندان حسین (ع) است بدون آن‌که یکی از این دو (امام حسن (ع) یا امام حسین (ع)) بر دیگری برتری داشته باشد" (Saduq, 1984). نقش جناب حکیمه در رویارویی با مسایل آغازین امامت حضرت مهدی (ع) به مثابه جایگاه حضرت زینب پس از قیام کربلا بود. شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم نقل کرده که در سال ۲۶۲ بر جناب حکیمه وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره اعتقادش به امامان پرسیدم. ایشان ضمن تصریح به همسانی موقعیت و وظیفه خود و حضرت زینب، تأکید کرد؛ حضرت زینب وظیفه داشت مردم را به راه راستین هدایت کند و آن‌ها از انحرافات و مهلکات دور نگه دارد و در پایان افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری و به پیروی از امام حسین (علیه‌السلام) انجام گرفته است (Saduq, 1984).

خدیجه بنت الجواد (ع)، یکی دیگر از زنان فرهیخته شیعی در دوران امامت حضرت مهدی (ع) می‌باشد که به قولی تا سال ۲۶۸ قمری زنده بوده است. اگرچه گزارش‌های موجود درباره جناب خدیجه کم‌تر از خواهرش، حکیمه خاتون است؛ اما همین هم بیانگر اهمیت و جایگاه این بانوی شیعی در هدایت جامعه شیعیان می‌باشد. به استناد خبر خصیبه، منزل جناب خدیجه محل رجوع مردم بود و ایشان از پشت پرده با آن‌ها سخن می‌گفت. بیش‌تر سوالات پیرامون ولادت، سیره و شخصیت امام مهدی (ع) است که وی به آن‌ها پاسخ گفته است (Khasibi, 1990). افزون بر این، خزاز مدائنی وابسته جناب خدیجه که در خانه ایشان خدمت می‌کرد، به واسطه تربیت و راهنمایی مولای خود با جریان‌های انحرافی مانند واقفیه برخورد نموده و شیعیان را ارشاد می‌کرد (Bahrani, 1992).

یکی از مشکلات جدی شیعیان، هم‌زمان با آغاز امامت امام مهدی (ع)، ادعایی بود که از جانب عمومی ایشان به نام جعفر مطرح شد. رویارویی با این مهم و دفع خطرهای ناشی از آن البته مقالی

دیگر می‌طلبید، اما یکی از کسانی که در ارشاد مردم و برملا کردن کذب جعفر نقش داشت؛ فاطمه بنت محمد بن هیثم (ابن سیابه) بود. نام این بانوی شیعی به واسطه اخبار مهمی که درباره جعفر کذاب نقل کرده، مورد توجه متون روایی شیعه قرار گرفته است. وی هم‌زمان با تولد جعفر فرزند امام هادی (ع)، در خانه آن حضرت حضور داشت و از قول ایشان نقل می‌کند که درباره جعفر فرمود: "او تعداد زیادی را گمراه می‌کند". شیخ صدوق ضمن نقل این گزارش، سلسله روایات متصل به آن را هم آورده است (Saduq, 1984).

از دیگر زنان شیعی که در تبیین مسئله مهدویت و اثبات ولادت وی نقش داشتند؛ دو تن از کنیزان امام عسکری (ع) با نام‌های "نسیم" و "ماریه" می‌باشند که در خانه آن حضرت خدمت می‌کردند. شیخ صدوق به نقل از اسناد خود از این دو نقل می‌کند؛ وقتی حضرت مهدی (ع) به دنیا آمد؛ دستان خود را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علیهم محمد و آله زعمت الظمه بعد ان الحجه الله و اخصه لو اذن لفرخ الکلام لزال الشک». افزون بر این، اخباری درباره مادر دوازدهم به روایت از ایشان نقل شده که شیخ صدوق آن‌ها را کتاب کمال الدین آورده است (Saduq, 1984).

هم‌چنین، شیعیان سؤالاتی که درباره امامت و مهدویت داشتند با یکی از موالی امام رضا (ع) به نام خدیجه مطرح می‌کردند. صاحب مدینه المعاجز حوادث شگفت‌انگیز پیش‌آمده در دوران غیبت صغری را از زبان خدیجه مولای امام رضا (ع) روایت می‌کند (Bahrani, 1992).

راهبرد هجرت و خدمات زنان شیعی: یکی دیگر از رهیافت‌های مواجهه با مسایل اجتماعی؛ هجرت و پراکندگی حضور شیعیان در بلاد گوناگون اسلامی بود (Ibn shoube Harrani, 1983؛ Qazvini, 1995). مقوله هجرت در اندیشه دینی از اعتبار و ارزشی والایی برخوردار است. بر این اساس، شیعیان و از آن جمله علویان بیش از همه از این امکان بهره بردند. علل گوناگونی در تسریع هجرت و پراکندگی جغرافیایی شیعیان و ثبات موقعیت آنان دخیل بوده که می‌توان آن‌ها را در چند دسته علت‌های عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تفکیک کرد که برخی از آن‌ها عبارتند از: تأکید اخبار و روایات بر هجرت و جایگاه آن در حفظ عقیده و هویت شیعیان، ارادت مردم به خاندان نبوت (Kamuvnah, 2010)؛ اطلاع از احوال خویشان و اقوام خود، پیوندهای ازدواج، وسعت معیشت (Qomi, 1983)؛ ظلم دستگاه خلافت و دولتمردان سنی نسبت به علویان؛ پیشامدهای اجتماعی، شرایط اقلیمی و عقیدتی محل مهاجرت، قیام علویان و تشکیل دولت‌های شیعی (Qomi, 1983). در این زمینه نیز زنان حضور داشته و بخشی از خدمات اجتماعی و نشر معارف اهل بیت (ع) به واسطه تلاش آنان بوده است (Ibn Fandoq, 1997؛ Ibn Esfandiar, 1980). در این مقال صرفاً به مواردی از مشارکت زنان در عرصه و پیامدهای آن اشاره می‌گردد.

شهر قم یکی از مهم‌ترین مکان‌های استقرار شیعیان و علویان و از کانون‌های نشر مکتب اهل بیت (ع) بشمار می‌رود (Kamuvnah, 2012). شاید بتوان گفت عمده‌ترین علت این امر، مهاجرت حضرت معصومه و آثار و برکات ناشی از حضور ایشان در قم بوده است (Bahrani, 1992). آستانه حضرت معصومه هم‌چنین با نام بسیاری از زنان شیعی گره‌خورده است. یکی از دلایل این امر مهاجرت گروهی از زنان منتسب به خاندان اهل‌بیت (ع) و سکونت در قم بوده است (Ibn shoube Harrani, 1983).

هم‌چنین باید به نقش زنان شیعی در برپا داشتن بارگاه و مقبره حضرت معصومه و توسعه آن اشاره کرد. مؤلف کتاب تاریخ قم در این زمینه می‌نویسد: "زینب دختر محمد بن علی الرضا علیه‌السلام این قبه بر سر تربت او بنا نهاد؛ و چون پس از وفات فاطمه ام محمد دختر موسی رضائیه وفات یافت او را در جنب قبر فاطمه دفن کردند و پس از او خواهر او میمونه ابنه الرضائیه و او را نیز هم آنجا دفن کردند و قبه بر سر تربت ایشان بنهادند متصل بقبه فاطمه علیها السلام و در این دو قبه شش قبرند (Qomi, 1983, Saduq, 1948). برخی دیگر از مشاهیر زنان شیعی مهاجر که هم‌زمان با سده نخست عصر غیبت به قم آمده و در جوار حرم حضرت فاطمه معصومه (ع) دفن گردیدند عبارتند از: ام محمد بنت موسی رضویه، ام اسحاق جاریه محمد بن موسی، ام حبیب جاریه ابوعلی محمد بن احمد بن الرضا (ع)، ام القاسم دختر علی کوبکی، میمونه دختر موسی مبرقع و خواهر محمد بن موسی (ع) (Qomi 1983).

بر این اساس زنان شیعی افزون بر مشارکت فعال در امر تبلیغی، تعلیمی و مبارزاتی مربوط به امر هجرت، به واسطه پاسداشت مقابر و امامزادگان، سهم قابل‌توجهی در نشر آموزه‌های شیعی و عرضه دستاوردهای فرهنگی و تمدنی برخاسته از این مقوله ایفا کردند.

منزلت اجتماعی زنان شیعی و انتساب رجال امامیه به آنان: در لابه‌لای گزارش‌ها و روایات موجود در متون مختلف اسلامی، بعضاً ذکری از زنانی می‌شود که نامشان در فهرست هیچ‌کدام از طبقات رجالی قرار نمی‌گیرد، اما کسانی که منتسب به آنها هستند، مشهور و مورد اعتبار مجامع حدیثی و روایی می‌باشند (Ibn Tavis, 1958؛ Tusi, 1937). این مهم بیانگر اهمیت نقش زنان شیعی در تربیت بزرگان شیعی است و از سویی حامل اشاراتی درباره مقدار سلامت معنوی و توسعه معرفت اجتماعی در بین شیعیان به واسطه حراست و پاسداشت از مقام و منزلت زن است. در این مقال تنها به دو نمونه اشاره از رجال منتسب به زنان شیعی اکتفا می‌شود:

- ابوالحسن علی بن محمد ملقب به بندار: وی یکی از نوادگان دختری احمد بن (ابی) عبدالله برقی است که در زمینه نقل روایت ثقه و مورد اعتماد منابع بوده و صاحب آثار و تألیفات رجالی در زمینه رجال شیعی است (Fahri Zanjani, 1984).

محمد بن حسن بن بنت الیاس خزاز: وی تا سال‌های پایانی قرن سوم در قید حیات بوده و در عین نقل حدیث، اخباری از وضعیت شیعیان معاصر خود بیان کرده که در آثار نویسندگان اعصار بعد یافت می‌شود (Ibn Tāvus, 1993).

ابوالقاسم موسی بن محمد قمی؛ از رجال شیعه و مسانید مکتب روایی قم در دوران غیبت صغری است و به خاطر آن که مادرش دختر سعد بن عبدالله اشعری می‌باشد؛ به مادرش منتسب شده است (Fahri Zanjani, 1984).

بحث و نتیجه گیری

با وجود اهمیت تحولات تاریخ تشیع در سده آغازین عصر غیبت، پراکندگی و عمومیت آثار موجود و غلبه گرایش‌های فکری و روایی حاکم بر سنت نوشتاری منابع اسلامی مرتبط سبب می‌شود، بازسازی و بازکاوی نقش و جایگاه زن در دگرگونی‌های اجتماعی بسیار سخت و گاه ناممکن باشد. از این رو، اگرچه به نظر می‌رسد، حجم کمی مطالب قابل قبول است؛ اما در عموم موارد داده‌های ارائه شده پرتکرار بوده و با این حال، توان پاسخ‌گویی به ابهامات پرسشگر را ندارد.

ارایه الگوی دین شناختی از جایگاه و اهمیت زن در اندیشه شیعی ممکن می‌باشد. بر اساس این امر مؤلفه‌های اصلی توانمندی زنان شیعه در سه محور قابل بررسی است ۱- تعالی فردی ۲- حضور مؤثر در نهاد خانواده ۳- مشارکت در پیشبرد اهداف متعالی و آرمان‌های اجتماعی؛ از مهم‌ترین مؤلفه‌های توانمندی زنان شیعی در سده آغازین عصر غیبت بود.

زنان شیعی به عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه ایمانی، بویژه مورد توجه اهل بیت (ع) و بزرگان امامیه بوده و تدابیر جدی برای مشارکت هوشمندانه این گروه در عرصه‌های اجتماعی انجام گرفت. افزایش منزلت اجتماعی بانوان شیعی، مشارکت آنان در ارتقای سطح سلامت معنوی جامعه، توانمندسازی آنان در حیطه آموزش و تعلیم در مبارزات فرهنگی و احتجاج با مخالفان، بسترسازی برای توسعه مدنی و طرح الگوی دین شناختی مبتنی بر نظام امامت در زمینه‌های گوناگون، ضرورت رویارویی جدی با مسایل اجتماعی و تعهد نسبت به سلسله‌مراتب ولایت معصوم و تولیت پذیری برای رشد و ارتقاء مؤثر در تمدن سازی اسلامی- شیعی از مهم‌ترین تدابیر و راهبردهایی بود که در این زمینه انجام گرفت.

در راستای تدابیر و سیاست‌های بزرگان امامیه، بیش‌ترین توجه زنان شیعی در سده آغازین عصر غیبت معطوف به پاسداشت میراث اهل بیت (ع) و تبیین مسئله مهدویت بود. در راستای تحقق این امر، زنان شیعی ضمن تلاش برای افزایش سطح دانایی دینی و توانمندیهای اجتماعی، در اصلاح و تقویت نگرش دینی شیعیان، مبارزات فرهنگی و مقابله با جریان‌های انحرافی مشارکت فعال داشتند. نتیجه این تلاش آن بود که بویژه در حوزه اجتماعی افزون بر نشر معارف الهی و تربیت

انسان‌های صالح، زمینه‌هایی مناسب برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی مهم بویژه در تاریخ اجتماعی شیعیان به وجود آمد. به گونه‌ای که می‌توان گفت عصر طلایی تاریخ تشیع در حوزه‌های گوناگون حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تمدن همان سده نخستین عصر غیبت یعنی اواسط قرن چهارم و پیاویل نجم هجری بوده و زنان شیعی در این زمینه سهم به‌سزایی داشتند. تأثیر رویکرد مدیریت اجتماعی مبتنی بر پایه‌های دینی و استنباط‌های فقهی و اصولی که بزرگان امامیه برای برون‌رفت از مسائل عصر غیبت اتخاذ کردند؛ سهم زنان شیعی را در مشارکت فعال اجتماعی افزایش داد و سبب مشارکت آنان در نقش‌های تربیتی، تعلیمی، تبلیغی، مبارزاتی و جهادی شد. بر این اساس زنان در نهادینه کردن فرهنگ انتظار و حصول معرفت اجتماعی، به عنوان دو عنصر اساسی برون‌رفت از مسائل عصر غیبت، نقش جدی‌تری بر عهده داشتند. این رهیافت‌ها اگرچه در قالب اخبار روایی بیان شده، اما اهمیت و جایگاه آن در نزد بزرگان امامیه و متون حدیثی و رجالی امامیه چنان است که قابلیت استخراج اصول و قواعد کلی برای دریافت الگوی معیار حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد.

References

BOOKS

- QURAN.
- Al-Johari. Ahmad. Qom: Al-Tabatabayi. Almoqtazab Al-asar. (Arabic)
- al-Kulayni. Muhammad b. Ya'qub. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islamiyah. Al-Osul (Al-Kafi). 1960. (Arabic)
- Al-Qayyumi. Javad. Qom: Publishing Eslami. Sahifa Al- Mahdi. 1955. (Arabic)
- Al-Shahid al-Awwal. Qom: Publishing Eslami. Al-Durus. 1993. (Arabic)
- Al-Shaykh al-Mufid. Qom: Jameah Al-Modaresiyn. Al-Muqni'a. 1992. (Arabic)
- Al-Shaykh al-Mufid. Qom: Mufid. Al-Irshad fi ma'rifat hujaj . 1992. (Arabic)
- Al-Shaykh al-Tusi. Mohammad. Qom: Al -Feqahah. Al-Fihrist. 1996. (Arabic)
- Al-Shaykh al-Tusi. Mohammad. Qom: Al- Maaref Islamiyah. Al-Ghaybah. 1990. (Arabic)
- Al-Shaykh al-Tusi. Mohammad. Qom: Publishing Eslami. al-rijal. 1994. (Arabic)
- Al-Tabrisi. Hasan. Qom: Al- Radi. Makarim al-Akhlaq. 1992. (Arabic)
- Al-tanukhy. Hasan. Qom: Al-Radi. Al-Faraj Bad al-Shedah. 1944. (Arabic)
- Amedi, Abd-alvahed. Qom: Daftar- E tablighat Islamic. Ghurar Al-Hikam Wa Durar Al-Kalim. 1946. (Arabic)
- Ameli. Muhammad Ali. Al-Mortazaviyah. Al-Serat Al-mostaghim. 1964. (Arabic)

- Bahrani. Hashem. Al-maaref Al- Islamiyah. Madinah Al-maajez. 1992. (Arabic)
- Bokhari. Mohammad. Beirut: Dar Al-fekr. Sahih Al-Bukhari. (Arabic)
- Effendi, Abdullah. Qom: Marashi Najafi. Rias-Al- Ulema, Research by Ahmad Hosseini. Without history. (Persion)
- Fahri Zanjani. Ahmad. Tehran: Dar Al-kotob Al- Islamiyah. Nu'mani. Muhammad. Al-Gheybah. 1984. (Persion)
- Golpaygani. Mohammad Vahid. Tehran: Board book. Ibn Taqtaqy. History of Fakhri. 1982. (Persion)
- Helli. Hasan. Najaf: Al-Heydariyah. Al-Mohatazar. 1950. (Arabic)
- Hor amely. Beirut: Dar Al-Ehya' Al-Toras Arabi. Wasāil al-Shia. 1970. (Arabic)
- Ibn Esfandiari. Mohammad. Khavar. History of Tabarestan. Correction by Abbas Iqbal. 1980. (Persion)
- Ibn Fandoq. Foroughi Bookstore. History of Beihagh. Corrected by Ahmad Bahmanyar. (Persion)
- Ibn Khallikan. Cairo. Vafayaf Al-Aayan. 1955. (Arabic)
- Ibn shoube Harrani. Qom .Tohaf Al- oqul an al-Rasul. Research by Ali Akbar Ghaffari. 1983. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Najaf: Al-heydariyeh. Kashf Al-mahajah. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Dar Al-zakhayer. Faraj Al-mahmvm. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Qom. Al- Dorou Al-vaqei. 1993. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Qom: Dar Al-ktab. Al-yaghin fi emraa amir Al-moumenin. 1992. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Qom: Dar-Alketab. Al- Tahsin. 1992. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Qom: Khayyam. Al- Tarayef. 1951. (Arabic)
- Ibn Tавus. Ali. Qom: Navid-e Islam. Al- lohuf fi ghatli Al-tofuf. edition:5. (Arabic)
- Isfahani. Abu Al-Faraj. Qom: Dar-Alketab. Maqatel Al-talebeein. (Arabic)
- Javadi Amoli. Abdullah. Qom: asraa. Woman in the Mirror beauty and glory. 2004. (Persion)
- Kamuvnah. Abdul-Razzaq. Najaf. Fazaee Al- Ashraf. 1970. (Arabic)
- Khasibi. Hossein. Beirut: Al-Balagh. Al-hedayah Al-kobra. 1990. (Arabic)
- Kohlberg. Etan. Qom: Marashi Najafi. Library Ibn Tавus. 1998. (Arabic)
- Kuranyi. Ali. Qom: Al- Maaref Islamiyah. Mu'jam Al-Ahadith Al- mahdi. 1990. (Arabic)
- Majlisi. Muhammad Baqir. Dar Al-Ehyaa Al-toras Al-Arabi. Bihar ul Anwar. 1982. (Arabic)
- Mirza Qomi. Keyhan. Jame Al-shatat. 1992. (Arabic)
- Mohammad Dashti. Qom: Safhe negar. Razi. Nahjul Balagha. 2000. (Persion)
- Morteza. Dar Al-Quran. Rasael Al -Mortaza. 1994. (Arabic)
- Qom, M. (1994). Publishing Eslami. Al- Intesar. (Arabic)

- Tehran, M. (1996). Seqafah. matters of Alnasryat. (Arabic)
- Hindi, M. Beirut: Al-Resalah. Kanz Al-Omal. (Arabic)
- Musavi Isfahani, M. T. (1950). Tehran: Islamic Propagation Organization. Mekyal Al-Makarem. (Arabic)
- Noori Tabarsi, M. H. (1994). Qom: Al- Bayt. Khateme Mustadrak al-Wasāeil. (Arabic)
- Noori Tabarsi, M. H. (1987). Qom: Al- Bayt. Mustadrak al-Wasāeil wa-mustanbae al-masāeil. (Arabic)
- Qadi, N. Qom: Publishing Eslami. Sharh Al-Akhbar. (Arabic)
- Qazvini. Zachary. (1995). Tehran: Amir Kabir. Asar Al-belad & Akhbar Al-Ebad. (Persian)
- Qomi, A. M. (2001). Montahi Al-Amal. (Persian)
- Q, H. (1983). Tehran: Tus. History of Qom. Qomi. Hasan. (Persian)
- Rahmani Miyajani, A. (1996). Tehran: Al-monir. Al- Imam Ali. (Arabic)
- Razi. (1995). Mashhad: Al-Razaviyeh. Khasaes Al-aeme. (Arabic)
- Razi. Qom: Basirati. Al-Mahazat Al-Nabaviyah. (Arabic)
- Sadr Haj, Seyed Javadi Et al. (2004). Tehran: Mohebbi. Encyclopaedia of Shi'ism.. (Persian)
- Saduq, M. (1983). Beirut: Al-Aalami. oyoun Akhbar Al-Reza. (Arabic)
- Saduq, M. (1996). Qom: Al-Besah. Al-Amali. (Arabic)
- Saduq, M. (1948). Qom: Al-Radi. Savab Al-Aamal. (Arabic)
- Saduq, M. (1997). Qom: Imam Hadi. Al-Hidayah. (Arabic)
- Saduq, M. Qom: Jameah Al-Modaresiyn. Al-khesal. (Arabic)
- Saduq, M. (1994). Qom: Jameah Al-Modaresiyn. Kamal al-Din and Tamam Al-Nimah. (Arabic)
- Safi Golpayegani, L. A. (1992). Tehran: Sadr. Montakhab Al -Asar fi Al-Imam Al-sani Al-ashar. (Persian)
- Saroukhani, B. (2008). Tehran: Institute for humanities and cultural studies (IHCS). Research methods in social sciences. (Persian)
- Tabari, A. (1937). Al- maqdasi. Zakher Al-oghba. (Arabic)
- Tabataba'i, M. H. (1973). Ismailian. Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an. (Arabic)
- Tajaddod, A. R. Ibn Nadim. Al-Fihrist. (Persian)
- Tusi, N. (2000). al-Mulk. Tehran: Elmi. Seyar Al-moluk. (Persian)
- Zahedi, M. J. (1998). Tehran: Maziar. Gould, Julius. William L Kolb. A dictionary of the social sciences. (Persian)

Articles

- Management Studies in Development and Evolution. (2002). Seyyed Naghavi. Mir Ali Social Capital: Concepts and Theories. V. 9. N. 33-34, P: 9-24. (Persian)
- Volume 26. Number 26. Pages 1-32. Social Sciences Letter. Tavassoli. Q& Musavi. M. regards such a new concept. December 2005. (Persian)

- Social Welfare. Saadat R. (2007). The Estimation of Level and Distribution of Social Capital in Iran's Provinces. V. 6. N. 23. P:173-196. (Persian)
- Journal of Human Sciences, V.13. N. 46-47. P: 241-266. (Al-zahra).
- Ahmadi, A. Alireza & Ghafarian. W.(2004). Understanding of research methods at the historical studies. (Persian)

